

## «کنگره بزرگداشت جلال اوین»

در کنگره بزرگداشت دیده‌بان انقلاب مطرح شد:  
\*شهید لاجوردی نقشی موثر در تاریخ انقلاب اسلامی داشت  
\*منشور لاجوردی برای آگاهی از نحوه رفتار با زندانیان کافی است

\*\*\*تیمی آنها را شناسایی و آنان را دستگیر کنیم. من به شهید بهشتی گفتم که این افراد را به يك قاضی بسپارید که با آنان جدی برخورد کند و شهید بهشتی هم بلافاصله گفت: خودت قاضی آنان باش. من دچار لکنت زبان شدم و گفتم: مگر پدر من قاضی بوده. من قضاوت نکرده ام. که شهید بهشتی در پاسخ به من گفت: مگر پدر من رییس دستگاه قضا بود؟ من نیز شرط کردم که اگر قرار باشد من قاضی آنان باشم باید دادستان را خود انتخاب کنم که شهید بهشتی آن را پذیرفت.

ناطق نوری ادامه داد: بعد از چند روز مطالعه به ذهنم خطور کرد که آقا اسداله از همه بهتر است چون می‌دانستم که وی در زندان با منافقین و گروهک‌ها و مکاتب مختلف مناظره‌هایی را ترتیب داده بود. به همین خاطر به مغازه وی در بازار رفتم و به او گفتم، يك خوابی برای من دیده‌اند و من هم خوابی برای تو دیدم.

۰۳/۰۶/۱۳۸۷

کنگره‌ی بزرگداشت دیده‌بان انقلاب اسلامی به مناسبت دهمین سالگرد شهادت سیداسدالله لاجوردی با حضور مقامات و مسوولان سیاسی و قضایی برگزار شد.



ناطق نوری:

منشور لاجوردی برای آگاهی از نحوه رفتار با زندانیان کافی است

حجت‌الاسلام والمسلمین ناطق نوری با بیان این‌که شهید لاجوردی به دنبال وظیفه و تکلیف بود، افزود: اگر بخواهیم بدانیم که با زندانیان باید چگونه رفتار کنیم، منشور لاجوردی کافی است.

به گزارش خبرنگار ایسنا، حجت‌الاسلام والمسلمین ناطق نوری در کنگره‌ی بزرگداشت دیده‌بان انقلاب، شهید سیداسدالله لاجوردی اظهار کرد: ما شخصیت‌ها و چهره‌های برجسته‌ای که می‌توانستند برای عصر و نسل خود و آیندگان اسوه و الگو باشند در تاریخ کم نداریم. لیکن به عللی یا مجهول و ناشناخته ماندند یا شخصیت آنان ترور شد و از آنان چهره‌ای غیرواقعی و نامطلوب ساختند؛ البته به آنان آسیبی نرسید و نمی‌رسد زیرا رسالت خود را به خوبی انجام دادند و نزد پروردگارش سربلند هستند.

وی افزود: خسارت این ناشناسی یا تحریف و ترور شخصیت‌ها نسبت به نسل‌های بعد وارد می‌شود که از الگوگیری از آنان محروم می‌مانند؛ در حالی که انسان‌ها در تعلیم و تربیت همواره نیازمند الگو هستند.

ناطق نوری بیان کرد: امام (ره) در زمان غیبت حضرت مهدی (عج) در شرایطی که دشمن تا دندان مسلح بود، قیام کرد. این ملت وفادار، امام (ره) را تنها نگذاشتند. از روزی که فریاد زد، مردانه ایستادند و بستر پیروزی با رهبری امام (ره) فراهم شد که اینها خود اسوه و الگو هستند.

وی با بیان اینکه یکی از این الگوها در تاریخ معاصر مرحوم لاجوردی بود، افزود: مرحوم لاجوردی از همان آغاز به دنبال فهم و آموزه‌های دینی و درک اسلام واقعی و همچنین تشیع به معنای واقعی بود.

ناطق نوري بيان كرد: بازجویان و ساواک حتي نتوانستند يك جمله از لاجوردي داشته باشند و وي، اين داغ را بر دل آنها گذاشت كه از او يك جمله درآورند. اگر هم چيزي گفته بود مطالب سوخته بوده است. در آن زمان مرحوم لاجوردي معروف به مرد پولادين شد.

ناطق نوري، درك بالا را از ديگر خصوصيات مرحوم لاجوردي برشمرد و افزود: خداوند چنان وي را هدايت مي كرد كه قبل از اين كه جريان نفاق رو شود، لاجوردي آنها را مي شناخت. دشمن شناسي و جريان شناسي لاجوردي از ديگر خصوصيات وي بود و با منافق و ماركسيست اصلا تعارف نداشت.

**ناطق نوري در پايان گفت: مرحوم لاجوردي آن قدر قاطع بود كه در مسايل اعتقادي تعارف نداشت و در عين قاطع بودن و انعطاف ناپذير بودن در مقابل فساد، انحراف و نفاق، قلبي رنوف، مهربان و متواضع داشت و داراي فهم بالايي بود.**

دبير كنگره ديده بان انقلاب:

### شهيد لاجوردي نقشي موثر در تاريخ انقلاب اسلامي داشت

دبير كنگره ديده بان انقلاب اسلامي بيان كرد: دبیرخانه كنگره ديده بان انقلاب كه تشكيل شده به كار خود ادامه خواهد داد و ان شاء الله ضمن بررسي و ارزيابي برنامه هاي به اجرا درآمده، مقدمات برگزاري دومين كنگره براي سال آتي نيز شروع خواهد شد.

به گزارش خبرنگار ايسنا، احمد قديريان با بيان اينكه شهيد لاجوردي در تاريخ و فرهنگ ايران اسلامي نهادينه شده است گفت: وي با نگاه ژرفي كه به مسايل اجتماعي و سياسي داشت، توانست نقشي موثر را در تاريخ انقلاب اسلامي ايفا كند و اسناد ساواک و حملات دشمنان نظام مقدس جمهوري اسلامي ايران گواه اين ادعاست.

وي با بيان اينكه لاجوردي به شايستگي عنوان مرد پولادين را از رهبر معظم انقلاب اسلامي دريافت كرد، افزود: وي با همه همت انقلابي خود به مبارزه با جريان نفاق پرداخت و با ساده زيستي و بدون هيچ توقع و چشمداشتي به حراست از آرمان هاي انقلاب اسلامي مشغول بود.

قديريان با اشاره به اينكه نام لاجوردي با نام شيرين مبارزه و استقامت عجيب شده است ادامه داد: **وي در دوران حضور در دادستاني و سازمان زندان ها توانست با دركي عميق از مباني اسلامي، قرآني و تربيتي و با اتخاذ شيوه هاي مناسب و نوآوري در مدل هاي پرورشي به مقابله با منحرفات سياسي بپردازد و در ادامه لحظه اي از پرورش و هدايت آنان چشمپوشي نكرد.**

وي با بيان ضرورت شناخت لاجوردي و تامل در سيره وي خاطرنشان كرد: اين كنگره با هدف تبين شخصيت شهيد لاجوردي، بررسي آرا و اندیشه هاي حكومتي و تبين اندیشه هاي برگرفته از قرآن شهيد لاجوردي در مواجهه با جريان نفاق و زندان باني برگزار مي شود.

قديريان، بازنشاسي معقوله امنيت اجتماعي از دیدگاه شهيد لاجوردي و تشریح دیدگاه استکبارستيزي و درك منطقي شهيد لاجوردي از ضرورت حفاظت از سرمايه هاي اجتماعي و بازگرداندن منحرفان به چرخه بهره مندي از انقلاب و تبين ساده زيستي شهيد لاجوردي و معرفي آن به مديران و جوانان به عنوان يك الكوي كارآمد را از ديگر اهداف اين كنگره برشمرد.

وي خاطرنشان كرد: با فراخواني كه صورت گرفت مقالات متعددي از سوي نخبگان و استادان دانشگاهي به كنگره، ارسال و پس از سه مرحله داوري سه مقاله انتخاب شد.

قديريان اظهار كرد: تلاش مي شود طي يك سال آينده با حضور اندیشمندان حوزه و دانشگاه آرا و اندیشه هاي شهيد لاجوردي بررسي و كارشناسي شود.

**عسگر اولادي:**

شهيد لاجوردي براي هدايت گروه هاي منافق در زندان بسيار تلاش مي كرد

حبيب الله عسگر اولادي با اشاره به آياتي از سوره نور مبني بر ويژگي هاي مومنين گفت: خداوند ريشه شكوفايي انسان ها را در بيوتي معرفي مي كند كه اين بيوت خدائي نيستند بايد سهم پدر و مادر را در شكوفايي فرزندان مدنظر قرار دهيم؛ سيد اسدالله يكي از فرزندان خانواده لاجوردي است و هر کدام از ديگر فرزندان نيز در جاي خود ايمان و تقوا را مراعات کرده اند.

به گزارش خبرنگار ايسنا، عضو شوراي مركزي حزب مؤتلفه اسلامي كه در كنگره ي بزرگداشت ديده بان انقلاب كه به مناسبت دهمين سالگرد شهادت لاجوردي برگزار شده بود، اظهار كرد: در اولين شوراي مركزي مؤتلفه ي اسلامي و آخرين شوراي مركزي كه نزديك به شهادت او بود با آقاي لاجوردي بودم؛ در زندان با او همراه بودم، نمي توانم بگويم هم اندیشه بلکه همراه.

وي با مرور خاطراتش از آشنائي و دیدار با لاجوردي گفت: **لاجوردي بندهاي صالح و متقي بود؛ ايشان دشمنان خدا و خلق و امام(ره) و جمهوري اسلامي را تبديل به دوستانه كرد كه آنها را به درياچه براي تفريح و نماز جمعه براي عبادت مي برد؛ هنوز هم عدهاي هستند كه مي گویند ما از تو ابيني هستيم كه لاجوردي ما را هدايت كرد.**

عسگر اولادي اضافه كرد: يك روز نزديك ماه رمضان، لاجوردي به من زنگ زد و گفت مي خواهم كه تو را ببينم و گفت امسال ماه رمضان مي خواهيم براي زنداني ها مجلس بگيريم، مي خواهم شما هم يك شب در اين مجلس سخنراني كنيد؛ من گفتم شما وسط اين افراد مي نشيني، بسيار بي احتياطي است و ممكن است خطرناك باشد؛ لاجوردي گفت آدم سازي، بي احتياطي نيست، مغز آنها را شست و شو دادند؛ سه سال ماه رمضان اين برنامه بود تا اينكه به خاطر دارم وسط يكي از سخنراني ها برق رفت؛ پس از دقايق كه برق آمد، ديدم او همان وسط نشسته است و همه آرام به سخنراني گوش مي دهند.

عضو مؤتلفه اسلامي افزود: لاجوردي جامع اضداد بود؛ بين كساني كه ايمان در آنها سراغ داشت، رنوف بود.

وي اضافه كرد: يكي از ويژگي هاي لاجوردي اين بود كه از اهل ايمان و علما انتقاد مي كرد البته نه انتقاد تخريبي؛ مقامات روحاني را مورد انتقاد قرار مي داد و مي گفت اينها بايد ما را هدايت كنند، بر اثر اين اعتقادات عدهاي تصور مي كردند كه ايشان به اصل ايمان خوش بين نيست؛ لاجوردي به واقع ذوب در ولايت بود.

**عسگر اولادي با اشاره به سختي ها و شكنجه هايي كه لاجوردي در زندان تحمل كرد گفت: به خاطر دارم وقتي ما در زندان قصر بوديم، تصميم گرفته بوديم با همه گروه ها كه آقاي سبحاني و آقاي رستگار نيز آنجا بودند، سر يك سفره بنشينيم اما شنیده بوديم آقاي لاجوردي كه در زندان ديگري بود با همه سر يك سفره نمي نشست. وقتي كه او را ديدم از او پرسيدم چرا با اين بچه مسلمان ها هم غذا نمي شويد؟ ما اينجا سعي كرديم با مهندس سبحاني و آقاي رستگار هم هم غذا شويم؛ خنديد و گفت از اينكه خيلي سادهاي تعجب مي كنم؛ اينها اگر الان امكان پيدا كنند اولين كسي را كه اعدام مي كنند امام (ره) است سپس مقداري درباره شناختي كه نسبت به اين گروه داشت با من صحبت كرد؛ به صورتي كه اصلا نتوانستم سخنم را ادامه دهم، به زندان برگشتم و گفتم كه آقاي لاجوردي چنين موضعي دارد؛ سرانجام بلند گفت قبل از اينكه چوبش را بخوريد بايد از آنها جدا شويد. بعد از آن بود كه من به زندان ديگري در شيراز تبعيد شدم.**

وي در پايان گفت: لاجوردي با گروه هاي منافق در زندان جلسات طولاني مي گذاشت و براي هدايت آنها بسيار تلاش مي كرد.

### زهره سادات لاجوردي:

لاجوردي در راه دفاع از ارزش هاي انقلاب، ذره اي ترديد به خود راه نمي داد

دختر سيد اسدالله لاجوردي با تاكيد بر لزوم دشمن شناسي در اندیشه پدرش گفت: دشمن با چهره هاي گوناگون ظاهر مي شود و براي هر زمان، نوعي حربه و سلاح متناسب نياز است.

به گزارش خبرنگار ايسنا، زهره سادات لاجوردي كه در كنگره ي بزرگداشت ديده بان انقلاب به مناسبت دهمين سالگرد شهادت لاجوردي سخن مي گفت، اظهار كرد: به طور كلي مي توان گفت همه حكومت ها مخالفاني دارند و جمهوري اسلامي ايران نيز از اين قاعده مستثنا نبوده و تاكنون با جريان هاي مختلفي مواجه شده است اما در يك تقسيم بندي كلي مي توان اين جريانات را به مخالفان آشكار و مخالفان پنهان تقسيم كرد. بديهي است مبارزه با گروه دوم يعني مبارزه با نفاق و منافق بسي دشوارتر از جرياني است كه دشمني اش را آشكار نشان مي دهد.

وي با اشاره به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) گفت: پیامبر (ص) فرمود من از مشرک، حراسی ندارم؛ من بر شما از منافقی می‌ترسم که درونی دوچهره و زبانی عالمانه دارد؛ گفتارش دلپسند و رفتارش زشت است.

لاجوردی با تشریح زندگی شهید لاجوردی و با اشاره به فعالیت‌های منافقین در آن مقطع گفت: منافقین تلاش کردند با نفوذ به مراکز حساس، نیات پلید خود را عملی کنند که با مبارزات لاجوردی روبه‌رو شدند. وی، اولین کسی بود که به این انحراف پی برد و با شهادت آن را بیان کرد؛ منافقین که دستشان رو شده بود از همان روزها کینه‌ی او را به دل گرفتند.

وی افزود: لاجوردی در راه دفاع از ارزش‌های انقلاب، نرهای تردید به خود راه نمی‌داد. از زمانی که خود را شناخته بود، هم‌هی وجودش را وقف اسلام و انقلاب، امام (ره) و مقتدایش کرده بود و در این راه از هیچ کوششی دریغ نوریذ. مسوولیت داستانی انقلاب به او سپرده شد و او مدعی‌العموم بزرگترین انقلاب قرن شد.

لاجوردی اضافه کرد: شاید به جرات بتوان گفت مقابله با غائله‌ای که منافقین در سال‌های ۶۰ و ۶۱ به پا کردند از کسی جز شهید لاجوردی بر نمی‌آمد؛ او که به حق می‌توان دیده‌بان انقلابش نامید.

### پیام آیت‌الله محمدی گیلانی به کنگره بزرگداشت دیده‌بان انقلاب

آیت‌الله محمدی گیلانی به مناسبت برگزاری "کنگره بزرگداشت دیده‌بان انقلاب" که در آستانه دهمین سالگرد شهادت حاج سید اسدالله لاجوردی برگزار شد، پیامی صادر کرد.

به گزارش خبرنگار ایسنا، در این پیام آمده است: دهمین سالگرد شهادت سردار معظم، دیده‌بان انقلاب، شهید حاج سید اسدالله لاجوردی را به هم‌هی عزیزان تسلیت عرض می‌کنم. اینک بر اثر کسالت جسمی، قادر به شرکت در این مجلس ارزشمند نیستم. بدین وسیله احترام و سپاس خود را نسبت به این شخصیت جاودانه‌ی تاریخ بیان می‌دارم. از هم‌هی مهمانان و مدعوین محترم به‌ویژه از حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین ناطق نوری و خانواده‌ی معزز شهید لاجوردی تشکر و تقدیر می‌کنم.

رییس کنگره بزرگداشت دیده‌بان انقلاب:

### شهید لاجوردی فهمی بالا از دین داشت

رییس کنگره بزرگداشت دیده‌بان انقلاب، با قرائت بخش‌هایی از سخنان و نوشته‌های شهید لاجوردی درباره زندانی و مجرم تاکید کرد: لاجوردی معتقد بود زندانبان باید سخنش نافذتر و شیرین‌تر از معلم، نگاهش عمیق و پرمعنا و اخلاقی از هر پدر دلسوز و فداکاری، بهتر و قدرتش منطبق بر قانون باشد.

به گزارش خبرنگار ایسنا، حجت‌الاسلام والمسلمین ناطق نوری که ریاست کنگره‌ی بزرگداشت دیده‌بان انقلاب به مناسبت دهمین سالگرد شهادت اسدالله لاجوردی را به عهده داشت، در پایان این کنگره اظهار کرد: رسول خدا (ص) می‌فرماید هرگاه خدا خیر بنده‌ای را بخواهد، سه چیز به او می‌دهد؛ او را دین‌شناس قرار می‌دهد که دینداری غیر از دین‌شناسی است. دین‌شناس، فریب هر چیزی که رنگ دین را به خود گرفته باشد، نمی‌خورد و لاجوردی دین‌شناس بود. منافقین و مجاهدین خلق از جمله افرادی بودند که تفکر مارکسیستی را با لعاب دینی ارائه می‌دادند و بسیاری از شخصیت‌های ما را فریب دادند؛ لاجوردی این گروه را به درستی شناخت.

وی افزود: مرحوم لاجوردی به زرق و برق دنیا بی‌اعتنا بود و ادعا می‌کرد که من آن گونه نسبت به مقام ولایت هستم که اگر بگویند درون آتش برو به درون آتش می‌روم؛ می‌گفت خیلی دلم می‌خواهد امام (ره) مرا نسبت به این حرف امتحان کند؛ لاجوردی زاهد و عادل بود؛ دستور داد غذای زندانیان با غذای ماموران و مسوولان تفاوتی نداشته باشد.

وی اضافه کرد: وقتی لاجوردی از سازمان زندان‌ها رفت با اینکه خیلی دل‌پری داشت، تشکر کرد و رفت؛ از او پرسیدند چرا سخنی نگفتی؟ گفت من کاری نکردم و کارها را مسوولان و کسانی که در سازمان بودند، انجام دادند.

ناطق نوری اضافه کرد: لاجوردی معتقد به تمام معنا بود و فهم بالایی از دین داشت؛ خوش خلق و متواضع بود و در عین حال بسیار قاطع و صریح لهجه و غیرمتملق بود هیچگاه لاجوردی را بدون تبسم در برخوردهای آتی نمی‌دیدیم؛ به هر کس انتقاد و نظری داشت، صریح به او می‌گفت؛ بی‌اعتنا به میز و عنوان بود و در حد والایی اخلاص در عمل داشت.

ناطق‌نوری در ادامه گفت: دبیرخانه کنگره بزرگداشت دیده‌بان انقلاب در یک سال آینده بررسی دیگر ابعاد شخصیت شهید لاجوردی را ادامه می‌دهد و در قالب مقالات و کتب در دسترس جامعه قرار خواهد داد.

## تقابل دیده بان انقلاب با منافقین قدیم و جدید



گروه تاریخ: اگرچه شهید سید اسدالله لاجوردی دارای خصلت های ویژه متعددی بود اما نفاق شناسی و مقابله او با تفکرات الحادی ازابرترین این ویژگی ها بود. سید، سالها در دورانی که استکبار تلاش می کرد از طریق گروهک ها انقلاب را به بحران بکشاند، سکاندار دادستانی انقلاب اسلامی مرکز بود و با شناختی که از آنها در دوران مبارزه داشت، با گروهک هایی همچون فرقان، منافقین خلق، باند مهدی هاشمی و... مقابله نمود و در نهایت به دلیل فشار منتظری بر شورای عالی قضایی از سمت خود عزل گردید.

بهشتی - لاجوردی

او پس از آنکه یادگار امام از میزان اعتماد امام به او و فداکاری هایش در راه امام برای آیت الله یزدی گفت، بار دیگر دعوت به خدمت شد، اما این بار در سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تا خصلت دیگر او نیز بار دیگر رخ نماید. تلاش او برای بازگشت خطاکاران و هدایت آنها با توجه به شناخت بالای او از تفکرات انحرافی.

لاجوردی اما پس از پایان این دوران نیز همچنان مورد غضب منافقین جدید و قدیمی بود که بدون هیچ ملاحظه ای دست به افشای چهره آنها می زد و از همین جهت نیز تمام منافقین همچنان از او در هراس بودند. رهبر انقلاب درباره او فرمودند: "ایشان از اول انقلاب تا همین شهادتشان همیشه در صراط مستقیم حرکت کرد و ذره ای از طریق مستقیم و خط صحیح انحراف پیدا نکرد. ایشان کار را برای خدا می کرد اهل تظاهر و اهل نشان دادن نبود. کار را برای خدا قبول می کرد و برای خدا انجام می داد برای همین بود که هیچ ملاحظه ای نمی کرد. بعضی ها در کار ممکن است ملاحظه و وجهه را بکنند ملاحظه شان و آبرو را بکنند بعضی ها هستند که این ملاحظه را نمی کنند و شهید عزیز ما شهید لاجوردی از این قبیل بود."

لاجوردی در وصیت نامه اش نیز اینگونه عمل نمود؛ بدون هیچ ملاحظه ای به افشای چهره منافقین خلق و منافقین انقلاب پرداخت و چنان آنها را به خشم آورد که مخاطبان وصیت نامه اش خیلی زود او را به "دشمن شناسی وارونه" متهم نمودند. این وصیت نامه که توسط امام جمعه وقت تهران درخور توجه و دقت شدید دانسته شده بود، اینک پیش روی شماست:

اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و ان علياً ولي الله وصي رسول الله و الانمه حادي عشر من بعد علي عليهم السلام و ائمه المسلمين. بارالها با تمام وجودم می گویم: "کم من ثناء جميل لست اهلا له نشرته" خداوندا عمري را که بهترین نعمت بوده از دست داده ام، در حالی که می توانست در راه تو و خدمت به انسانهای مظلوم و مستضعف به کار گرفته شود، عمري که می توانست تا حدودی در جهت از بین بردن ارزش های منفی و ایجاد و احیای ارزش های الهی انسانی مثمر افتد، عمري که می توانست در راه تحقق هدف های مقدس اسلام و اعتلای کلمه توحید و تکامل صاحبش سپری گردد. عمري که می توانست از کمیتش بکاهد و بر کیفیتش بیفزاید و همگام با شهدای خداجوی جویای راه وصول به تو باشد. عمري که با کمیت نسبتاً زیاد کوچکترین توشه ای بر نگرفته. لذا همین جاست که تمامی امیدش را و تمامی رجانش را به عفو تو و به اغماض تو و رحمت و فضل تو بسته است. خدایا باز هم امید به فضلت: اللهم اغفر لي الذنوب التي تهتك العصم. خدایا خوب می دانی آنچه را هم اکنون به قلم می آورم مدت مدیدی است در درونم میگذرد و بر سر چند راهه های حیرت ندانم چیست؟ چه باید کرد؟ امور به کجا می انجامد؟ چگونه است که با نام اسلام و در زین اسلامیت شعار های مردم فریب خالی محتوا رواج پیدامی کند و آنها که مسئولیت جلوگیری از انحراف افکار را دارند ساکت می نشینند؟ و سهل است بعضاً تایید می کنند و هزاران سوال که هر کدام

راهی را ایجاب و خطی را ترسیم می کند، قرار گرفته ام اما خوشبختانه چون مقلد امام عزیزم، راه سعادت برابم روشن است و از خدا می خواهم اگر عمری بود، توفیق عمل به آن را پیدا کنم.

خدایا با تمام وجودم به این انقلاب عشق می ورزم و به همان مقدار که دوستدار انقلابیونم، نسبت به حامیان ضد انقلاب نفرت دارم و با همه اینها، این مسئله را به خوبی یافته ام که هر کس به نفع دشمنان انقلاب و به خیال واهی و بی اساس رضایت به اصطلاح مردم و به خیال خام و پوچ پایگاه به اصطلاح ملی پیدا کردن موضع گیری کند، مصداق فرموده گرانقدر معصوم است که: "من طلب رضي الناس بسخط الله فجعل الله حامده من الناس ذاماً" خداوند تو شاهدهی به همان اندازه بلکه صد چندان که به امام قاطع و سزاش ناپذیرم، عشق می ورزم، نسبت به سازشکاران و مدافعان عملی ضدانقلاب (اگر در لفظ و اعتقاد هم مخالف باشند) نفرت دارم.

بیم آن دارم که حوادث مشروطه مجدداً تکرار شود و یا ایران اسلامی به سرنوشت الجزایر دچار شود. خدایا از تو مصرانه می خواهم دست و قدم و زبان و قلم همه کسانی را که در جهت رهانیدن ضد انقلابیون و مرتدین و محاربین از چنگال عدالت اعمال قدرت و نفوذ کرده اند و همه کسانی که پذیرای این ننگ شده اند (تا چند روزی به کام و هم و خیال رسند) برای همیشه از سرنوشت این مردم شهیدپرور و شاهد قطع فرمایی.

خدایا چون عاشق نظام بوده ام، از آن ترس داشتم که افشای چهره سازشکاران لطمه ای و لو ناچیز به نظام وارد آورد، به آنها توصیه می کنم که جدای از لفاظی و بازار گرمی های صنفی به قیامت و حسابرسی های دقیق آن روز باور پیدا کنند و مواظب باشند که از آن دسته ای نباشند که قرآن درباره شان فرمود: "لم تقولون مالا تفعلون کبر مقتا عند الله ان تقولوا مالا تفعلون" وصیتم به صاحبان قدرت و نفوذ این است که اگر حرکتشان را دوست می دارند، بجای شعارهای مردم فریب و سیاست مدارانه، توصیه هایی را که تلفنی و شفاهی در جهت استخلاص ضدانقلاب و ملا و مترفین و حرام خواران و حرام اندوزان اعمال می دارند، با شهادت و رشادت برای مردم بازگو کنند و از هر نوع توجیه و ماسک مالی کردنهای حفظ سمت و استمرار موقیت صدارت! بپرهیزند که خودفریبی و مردم فریبی بالاخره به پایان می رسد و سر و کار با خیرالماکرین افتد. باز توصیه ام به سردمداران این است که به خدا توکل کنند و قاطعیت و سزاش ناپذیری را از امام مردم بیاموزند و شعار نه شرقی و نه غربی را که خواست و حق مردم است و علت موجهه این انقلاب بوده، فراموش نکنند و مبدا که گذشت روزها و فروافتادن طبیعی شود و انقلاب و مهمتر از همه سختی های حرکت و فشارهای بین المللی موجب شود تعادلی را که شعار فوق ایجاب می کرده است و بحمدالله تا حدودی ایجاد گردیده بهم زنند و بدانند که قدرت مطلق از آن خداست و صرفاً تکیه بر اوست که از هر قدرتی، انسان را و جامعه را بی نیاز می کند و باز اینکه بدانند که اگر دچار حسابگری های سیاسی جدای از توکل شوند و بر ذهنیت های شکل گرفته و رضایت خدا و مردم مسلمان را ملاک قرار ندهند، گور خود و انقلاب را کنده و برای مردم گورستانی بی نام و نشان در پهنه تاریخ ایجاد کرده اند و یادشان باشد که علت موجهه علت مبقیه نیز هست و فراموش نکنند که سیادت و موقعیت های اجتماعی آنان اهدایی انقلاب اسلامی است و جدای از انقلاب فردی از ۴۰ میلیون افراد دیگر قبل از انقلاب خواهند بود.

خدایا تو شاهدهی چندین بار به عناوین مختلف خطر منافقین انقلاب را همانها که التقاط به گونه منافقین خلق سراسر وجودشان را و همه ذهن و باورشان را پر کرده است و همانا که ریاکارانه برای رسیدن به مقصودشان دستمال ابریشمی بسیار بزرگ به بزرگی مجمع الاضداد به دست گرفته اند، هم رجایی و باهنر را می کشند و هم به سوگشان می نشینند هم با منافقین خلق پیوند تشکیلاتی و سپس... برقرار می کنند، هم آنان را دستگیر می کنند و هم برای آزادیشان و اعطای مقام و مسئولیت به آنان تلاش می کنند و از افشای ماهیت کثیف آنان سخت بیمناک می شوند، هم در مبارزه علیه آنان و در حقیقت برای جلب رضایت مسئولین و نجات بنیادی آنان خود را در صف منافق کشان می زنند و هم در حوزه های علمیه به فقه و فقاقت روی می آورند تا مسیر فقه را عوض کنند به مسئولین گوشزد کرده ام، ولی نمی دانم چرا اگرچه نسبت به برخی تا اندازه ای می دانم چرا؟ ترتیب اثر نداده اند.

به مسئولین بارها گفته ام که خطر اینان به مراتب زیادت از خطر منافقین خلق است چراکه علاوه بر همه شیوه های منافقانه منافقین سالوسانه در صف حزب اللهیان قرار گرفته و کم کم آنان را در صفوف آخرین و سپس به صف قاعدین و بازنشستگان سوقشان داده و صفوف مقدم را غاصبانه به تصرف خود در آورده اند به گونه ای که عملاً عقل و اراده منفصل برخی تصمیم گیرندگان قرار گرفتند و در عزل و نصب ها و حفظ و ابقاها دست به تخریب می زنند، اعمال قدرت می کنند، اینها همه پوچ است و بی اهمیت! مهم و بسیار مهم این است که هدف غایی از همه این تلاش ها، گسترش فکر التقاطی و انحرافی سازمان ضد خدایی اشان است که جز اندیشه های مادی گریانه و ماتریالیستی چیز دیگری نیست و با بهره گیری از تجربیات مثبت و منفی هم پالکی های چپ و منافقشان توانسته اند متأسفانه به نسبت بسیار زیادی و حتی زیادت از توفیق منافقان خلق در سالهای ۵۱ تا ۵۴ تا تعداد کثیری از روحانیون را تحت تاثیر قرار دهند و با لطایف الحیل بر ذهن و روان آنان اثرات دل خواهشان را بگذارند تا بدانجا که بر

اعمال جنایتکارانه آنان با دیده اغماض بنگرند و حتی در مواردی نظیر به شهادت رساندن باهنر و رجایی به دست روی دست مالیدنهای مسامحه کارانه مصلحت اندیشیهای پشیمانی آورنده متوسل شوند، باز مهمتر از همه اینکه با کمال تأسف توانستند تعداد فراوانی از جوانان مسلمان را جذب کرده منحرف نمایند.

هان ای خانواده عزیزم، به هوش باشید مبدا که فریب تأیید و تکریم های ریاکارانه این منافقین جدا از دین را بخورید چه بسا با ظاهری چاکرانه و دل سوزانه به سراغتان بیایند و خود را چنان حزب الهی جا بزنند که سلمان ها و ابوذرها را جرأت لحظه ای هم لباسی و هم شکلی با آنان نباشد. فرزندانم اگر گاهی به شما سخت می گرفتیم و این در حالی بوده که برایم امکان فراهم آوردن رفاه بیشتر بوده از آن جهت بوده است که اعتقادی استوار به آیه کریمه ان مع العسر یسرا داشته ام و اگر می دانستم شما را و خانواده را بیشتر از آنچه تحمل کردید، قانع کنم به طور قطع چنان می کردم و یقین داشتم که در تکوین شخصیت سالم و رشد پاینده شما مؤثرتر و کارسازتر بود به هر صورت پدرتان که از همه چیز جز انقلاب و اسلام بیشتر دوستتان میدارد خیر و صلاح شما را در رفاه نمی دانسته و نمی داند و امید دارد در زندگی رفاه جویی و عافیت طلبی را آگاهانه به دور اندازید و باعزمی آهني در کام مشکلات بروید.

توقع نداشته باشید دیگران برای حل مشکلاتتان اقدامی ولو ناچیز کند به جای چنین انتظاری در حل مشکلات مردم کوشا باشید و از سختی ها نهراسید و به گونه ای عمل کنید که هر مصیبتی و هر مشکلی هر قدر عظیم در پیش اراده و عزم شما سر تسلیم فرو آورد، به جای اینکه بر شما چیره شود و شما را دست و پا بسته بر زمین افکند بر امواج به ظاهر سهمگینش سوار شوید و مهارش را به دست گیرید و بدان سو هدایتش کنید که می خواهید و اجازه ندهید که بر شما مسلط شود و تعادل شما را بریاید. خانواده عزیز و مهربانم درست است آنگونه که شایسته مقام والای انسانی شما بود به خدمتتان کمر نبستم و در این راه تقصیر ها و قصورهای فراوان داشتم اما درست تر آن است که بر من ببخشایید و اجازه ندهید که در پیشگاه خداوند در روز تبلی السرائر و در انظار خلاق شرمنده و سر افکنده پیش رویتان قرار گیرم. والسلام علیکم ورحمت الله و بركات

**رجا نیوز**

## **حاشیه‌های دهمین سالگرد ترور شهید لاجوردی**

دهمین سال به شهادت رسیدن سیداسداله لاجوردی دادستان انقلاب تهران در مراسمی با عنوان کنگره دیده بان انقلاب در مجموعه فرهنگی وزارت کار و امور اجتماعی گرامی داشته شد.

به گزارش رجانیوز به نقل از ایرنا، این کنگره که با حضور مقامات قوه قضاییه و نیز همزمان این شهید در دوران قبل از انقلاب اسلامی برگزار شد، حاشیه‌هایی نیز به همراه داشت که در پی می‌آید:

\* حجت‌الاسلام علی اکبر ناطق نوری، رییس دفتر بازرسی مقام معظم رهبری که ریاست این کنگره را بر عهده داشت، میرزای شیرازی، شیخ فضل الله نوری و امام خمینی را حجت‌های خداوند در آخرالزمان ذکر کرد و گفت: امام در دوران مبارزه با رژیم طاغوت، هیچگاه تنها نماند و اگر چنین نبود، انقلاب به پیروزی نمی‌رسید.

\* در این همایش اعضای حزب موتلفه اسلامی که شهید لاجوردی از بنیانگذاران آن به شمار می‌روند، حضور داشتند که از این میان می‌توان به محمدنبی حبیبی، دبیر کل و حبیب الهه عسگراولادی، حمیدرضا ترقی، کاظم انبارلویی، اسداله بادامچیان اشاره کرد.

\* از مسوولان دستگاه قضایی نیز معاون اول قوه قضاییه، محمد نیازی رییس پیشین سازمان بازرسی، رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح در این جلسه حضور یافته بودند.

**\* حجت‌الاسلام حجازی نیز به نمایندگی از دفتر مقام معظم رهبری در این نشست حضور یافته بود. مهدی کروی، دبیر کل حزب اعتماد ملی و برخی از نمایندگان ادوار مجلس نیز در این برنامه حضور داشتند.**

\* ناطق نوری درباره علت انتخاب لاجوردی برای دادستانی انقلاب در اوایل پیروزی انقلاب چنین گفت: به شهادت رسیدن مطهری برای ما بسیار گران بود لذا برای دستگیری گروهک فرقان اقداماتی را انجام دادیم و بالاخره موفق شدیم که خانه‌های

تیمی آنها را شناسایی و آنان را دستگیر کنیم. من به شهید بهشتی گفتم که این افراد را به یک قاضی بسپارید که با آنان جدی برخورد کند و شهید بهشتی هم بلافاصله گفت: خودت قاضی آنان باش. من دچار لکنت زبان شدم و گفتم: مگر پدر من قاضی بوده. من قضاوت نکرده ام. که شهید بهشتی در پاسخ به من گفت: مگر پدر من رییس دستگاه قضا بود؟ من نیز شرط کردم که اگر قرار باشد من قاضی آنان باشم باید دادستان را خود انتخاب کنم که شهید بهشتی آن را پذیرفت.

ناطق نوری ادامه داد: بعد از چند روز مطالعه به ذهنم خطور کرد که آقا اسداله از همه بهتر است چون می دانستم که وی در زندان با منافقین و گروهک ها و مکاتب مختلف مناظره هایی را ترتیب داده بود. به همین خاطر به مغازه وی در بازار رفتم و به او گفتم، یک خوابی برای من دیده اند و من هم خوابی برای تو دیدم.

ناطق نوری افزود: شهید لاجوردی نپذیرفت اما گفت اگر تکلیف است، حرفی ندارم و قبول می کنم.

\* رییس کنگره دیده بان انقلاب به جریان بازجویی ها از گروهک فرقان اشاره کرد و گفت: من درباره اعضای گروهک فرقان حکم صادر نمی کردم و چون جوان بودند، شهید لاجوردی با آنان صحبت می کرد تا آنهايي که در عملیات های تروریستی نقشی نداشتند را هدایت کند. گرچه امام درباره گروهک فرقان گفته بود که نفس عضویت در این گروهک محاربه با نظام است، اما با آنها صحبت می شد تا آنهايي که قابل هدایت بودند، توبه کنند. بعدها من در ایام حج یکی از همین توابین را دیدم که پزشک شده بود و اکنون برای گذاشتن حج به مکه آمده بود.

\* حبیب الهه عسگر اولادی، عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی نیز در این جلسه به بیان برخی از خاطرات خود با شهید لاجوردی پرداخت و گفت: لاجوردی در زندان قزل حصار حاضر نبود با مجاهدین خلق و مارکسیست ها هم سفره شود.

وقتی وی را به زندان قصر آوردند، ما با رستگار و سحابی صحبت کردیم و قرار شد چون آنها اسلام را قبول داشتند، با ما همسفره شوند اما لاجوردی به من خندید و گفت: از اینکه خیلی ساده هستی، تعجب می کنم. اگر اینها الان امکان پیدا کنند، اولین کسی را که اعدام می کنند، امام خمینی است و تو چقدر ساده اندیش هستی.

عسگر اولادی افزود: لاجوردی به من گفت که قبل از اینکه چوبش را بخورید باید از اینها جدا شوید.

\* در حاشیه این مراسم خبرنگاری از روح الهه حسینیان نماینده مجلس پرسید: شهید لاجوردی در وصیتنامه خود سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را به خاطر تخطی از اصول انقلاب، سازمان منافقین نامیده است. شما به عنوان رییس مرکز استناد انقلاب اسلامی چه نظری در این باره دارید.

حسینیان در پاسخ گفت: تجربه نشان داد آنچه وی وصیت کرده بود در خارج از ذهن به واقعیت پیوست و صورت واقیت پیدا کرد.

خبرنگار بار دیگر سوال کرد: آیا می توانید نمونه هایی از آنچه که واقعیت پیدا کرده نام ببرید؟ حسینیان پاسخ داد: صورتهای مثالی این قضیه را خودتان پیدا کنید.

\* در این جلسه علاوه بر بستگان و مسوولان دستگاههای اجرایی و قضایی کشور، حدود ۳۰۰ نفر از دوستان، یاران و همزمان شهید لاجوردی در دوران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حضور داشتند که به دلیل ازدحام حاضرین مسوولان برگزارای مجبور شدند صندلی های اضافه در سالن مجاور بچینند.

\* در حاشیه محل برگزاری این کنگره، عکسهایی از شهید لاجوردی به همراه زندگینامه وی و نیز اسناد ساواک درباره این شهید نصب شده بود که مورد توجه حاضران در این جلسه قرار گرفت.

\* شهید لاجوردی از اعضای هایت های مؤتلفه اسلامی و مبارزان رژیم پهلوی بود که فعالیت گسترده ای را در پیش از پیروزی انقلاب اسلامی علیه رژیم ستمشاهی داشت.

وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان دادستان انقلاب به فعالیت پرداخت و پس از آن نیز به عنوان رییس سازمان زندان های کشور در قوه قضاییه مشغول به خدمت بود. لاجوردی در سال ۱۳۷۶ مسوولیت خود را در سازمان زندان ها به پایان برد اما در اول شهریور ماه ۱۳۷۷ توسط اعضای منافقین در بازار تهران به شهادت رسید.